■ سال بیست و نهم ■ شماره ۸۱۲۴ ■ چهارشنبه ■ ۱۹ بهمن ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۷/۵۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ | اذان صبح فردا ۵/۳۳ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۸

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:
خداوند متعال عزوجل دنیا را برای آزمایش، معین کرد و آخرت را برای سزا و پاداش.
الجعفریات: ص ۲۴۰

ایران، سرزمینی فرهنگی با تمدنی دیرینه

کمال بن وناس: فرهنگ ایرانی نشان دهنده اصالتی است که همیشه در همه جای جهان از آن یاد می‌شود. اتفاق بسیار خوبی است که جوایز و آثار سینمایی در چنین باغ زیبای ایرانی نگهداری می‌شود و جالب است که دیدن آن تنها به جوایز و آثار بسنده نمی‌شوند بلکه نشان‌دهنده پیشرفت فنی سینمای ایران و جایگاهی است که برای هنرمندان سرزمینی که تمدنی دیرینه و فرهنگی در خور توجه دارد، قائل شده‌اند. قطعاً وقتی به تونس برگردم درباره سفر جذابم به ایران و مخصوصاً حس خوبی که از دیدن این بنای تاریخی پیدا کردم خواهم نوشت و آنها را به یادگار نگه خواهم داشت. در این بازدید یاد عباس کیارستمی برایم زنده شد که از نوادر سینما بود و برای من نه تنها یک کارگردان حرفه‌ای بلکه یک شخصیت مهم تأثیرگذار در سطح جهان، سینمای تونس و همه طرفداران سینما است. از اینکه در یک مرکز سینمایی جوایز و یادگاری‌های این هنرمند نگهداری می‌شود بسیار خوشحال شدم و از دیدن جوایز او لذت بردم. این بازدید درواقع خاطرات سینمای کیارستمی را در من زنده کرد. معتقدم برای گسترش و همکاری‌های بیشتر بین ایران و تونس خوب است تا مراودات فرهنگی بیشتری صورت گیرد و بتوانیم به صورت مشترک هفته فیلم در ایران و تونس برگزار کنیم و به سینماگران سرشناس بپردازیم.

بخشی از صحبت‌های این استاد ادبیات و سینمای فرانسه درتونس در بازدید از موزه سینما

دل از سر کوی تو اگر پای کشیده‌ست
باز آمدنش زودتر از رنگ پریده‌ست
ناصح هذیان گوید و ما را تب عشق است
ما بسمل و او می‌تپد این را که شنیده‌ست؟

کلیم کاشانی

نـــگاره
نیما شاه‌میری

آب، گوهر آفرینش

فضای مجازی

اخبار مجازی حوزه فرهنگ و هنر اختصاص دارد به افتتاح یک کتابفروشی جیبی در خیابان کریمخان و «بزرگداشتی برای محمد مهدی هراتی استاد پیشکسوت و خلاق هنرهای تجسمی».

■ **یاد**

آیین بزرگداشت محمدمهدی هراتی استاد پیشکسوت و خلاق هنرهای تجسمی در راستای سلسله برنامه‌های بزرگداشت فرهیختگان نام‌آشنای هنر در فرهنگستان هنر برگزار شد. محمدمهدی هراتی متولد دهه ۱۳۲۰ در قوچان است و پس از تحصیلات مقدماتی در این شهر به تهران آمده و تا مقطع دکترای نقاشی و هنرهای سنتی در دانشگاه تهران تحصیل کرده است. او حدود نیم قرن است که در رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی، از طراحی، نقاشی سیاه‌قلم، رنگ‌روغن، آبرنگ، قطاعی و لایه‌چینی، نگارگری، رنگ‌سازی سنتی، نقاشی روی چوب و قلمدان، نقاشی روی شیشه، سرامیک و چرم، نقاشی با رنگ‌های لعابی روی کاشی و سرامیک گرفته تا خوشنویسی خطوط کهن، به ابداع و ارائه هنر خود مشغول است. علاوه بر آن، او بیش از پنجاه کتاب در حوزه‌های مختلف پژوهش و آموزش هنر به رشته تحریر درآورده است.

محمدعلی رجبی، رئیس گروه تخصصی هنرهای سنتی و صنایع‌دستی فرهنگستان هنر، بزرگداشت استاد هراتی را بخشی از سلسله برنامه‌های این نهاد برای تجلیل از فرهیختگان هنر عنوان کرد و درباره چگونگی انتخاب این بزرگان گفت: این فرهیختگان از میان هنرمندان و محققان هنر انتخاب می‌شوند. استاد هراتی از جمله افرادی است که هم محقق هنر است و بیش از پنجاه جلد کتاب تحقیقی از وی منتشر شده و هم هنرمندی پیشکسوت، قابل و ارزشمند در هنرهای سنتی است. همچنین، او یکی از اعضای وابسته فرهنگستان است که از ابتدای تشکیل این نهاد در آن مشغول به تحقیق و پژوهش بوده است. در بخش جنبی این مراسم، نمایشگاهی از یکصد اثر از خاندان هراتی، شامل آثار استاد محمدمهدی هراتی، حاج محمد هراتی (پدر استاد محمدمهدی هراتی)، الهام هراتی (دبیر هنری نمایشگاه) و شیرین هراتی، در حوزه‌هایی همچون نگارگری، نقاشی، لایه‌چینی و تصویرسازی پوستر برپا می‌شود.

نمایشگاه هنری برای نخستین‌بار آثار هنری برادر هنرمند و فراموش‌شده «کلود مونه» را در مرکز توجه خواهد گذاشت. نام «مونه» یادآور تصویر نیلوفرهای آبی، ساختمان پارلمان بریتانیا و پشته‌های گندم و جو است که به عنوان برخی از مشهورترین آثار هنری اروپا شناخته می‌شوند. اکنون نمایشگاهی در پاریس به نمایش آثار هنری «مونه» کمتر شناخته‌شده می‌پردازد: «لئون مونه»، برادر بزرگ‌تر «کلود مونه». این نخستین‌باری خواهد بود که نمایشگاهی با تمرکز بر آثار برادر بزرگ‌تر «مونه» برگزار می‌شود.

■ **کتاب و ادبیات**

«کتابفروشی جیبی» وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر ۱۷ بهمن همزمان با ایام دهه فجر در خیابان کریم خان تهران افتتاح شد. این مراسم با حضور مجدالدین معلمی، مدیرعامل بنیاد کتاب سازمان تبلیغات اسلامی و مهران عباسی، مدیرعامل مؤسسه انتشارات امیرکبیر و تعدادی از اصحاب رسانه و علاقه‌مندان به کتاب برگزار شد. حدود ۵۰۰ عنوان کتاب نفیس و ۸۰۰ عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان در این فروشگاه موجود است. «کتابفروشی جیبی» در متراژ ۲۴ متر و با ۳۶۰۰ عنوان کتاب از ۱۵۰ ناشر افتتاح شده و علاقه‌مندان می‌توانند برای دسترسی و بازدید از آن به این کتابفروشی تازه تأسیس مراجعه کنند.

■ **سینمای جهان**

جورج کلونی برای ساخت یک سریال سیاسی با عنوان «دپارتمان» دوباره روی صندلی کارگردانی می‌نشیند. این درخواست از سوی شبکه شوتایم بوده است. کلونی همراه گرانت هسلوف از تهیه‌کنندگان اجرایی سریال هستند که با اقتباس از یک سریال فرانسوی با عنوان «دفتر افسانه‌ها» ساخته می‌شود. کریس مک‌کارتی مدیرعامل شوتایم گفته «دپارتمان» بر اساس سریال جذاب و موفق «دفتر افسانه‌ها» ساخته می‌شود و از سنت «هوملند» یکی از محبوب‌ترین سریال‌های شوتایم پیروی می‌کند و همچنان به‌دنبال تصویری عمیق‌تر از دنیای دسیسه‌های سیاسی و شخصیت‌های پیچیده خواهد بود که علیه مردم و جهان مبارزه می‌کنند.

ماجراهای خانم آقای او

فیس و افاده آکتور تاریخ گذشته

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
شاعر و طنزپرداز

با همشیره مکرم فوتوی عروسی تماشا می‌کردیم. فوتوی انفرادی و دونفره و دسته جمعی. عروسی ما پرطمطراق و تجملاتی نبود ساده برگزار کرده حسن مجالست گرامی داشتیم. به حق، خوش شبی بود. نشان به آن نشانی، اسناد و مدارک به فوتوی رنگی و فیلم اچ‌دی و خاطرات فول اچ‌دی موجود است. چند فقره محدود از اطعمه و اشربه و ماکولات به قاعده مهیا کرده به جهت حسن پذیرایی، باقی اسباب تجملات به باد پرهیز گرفتیم. هرچه نباشد ما الگوی تبارمان بودیم، مردم می‌نشستند ببینند ما چه می‌کنیم سرمشق بگیرند فعل و عملشان همان باشد.

خاطرمان عاطرمان آمد از اقوام دور آمده بودند جهت عرض سرسلامتی و صرف شام و قس علی هذا. غیبت نباشد، آمدند خوب هم خوردند، بلانسبت شما لپ‌هایشان از فشار تناول و بلع همزمان شیرینی و میوه رگ به رگ شده چشم‌هایشان خون افتاده بود. روی میوه چای نوشیده و سه تا سه تا شیرینی به ضرب و زور شربت به حلقشان فرو کردند.

حاق مجلس، چه شلنگ‌تخته‌ها نینداخته چه افعال و اعمال حرکات ژآنگولری از این قوم سر نزد؛ روی پای خودشان می‌آمدند هلیکوپتری روی سر می‌رفتند.

قدرتی خدا در همه عکس‌ها با نیش تا بناگوش گشاده حضور داشتند هرکه نداند فکری می‌شود اگر خانواده عروس و داماد نباشند حکما از بستگان مقربند.

نوبه شام، باقالاپلو به کباب مزین کرده سالاد به ژله آغشته بودند، خودمان با همین چشم -هزارالله اکبر- عقابی رؤیت کردیم با البسه آراسته و مرتب آمدند، نوبه برگشت کمربند شل کرده دوسه تا دکمه از پیراهن‌شان از فشار معده و شکم در رفته بود. یک دست پارچ و لیوان، تحفه آوردند و با لپ‌های گل انداخته از فرط عیش و مسرت رفع زحمت کردند.

القصه عروسی به خوشی و بهجت و کامرانی خاتمه یافته ما به دعای خیر اقوام، زندگی آغاز کردیم. چشمتان روز بد نبیند! پسین عروسی نقل و حدیث‌ها شروع شده به سمع‌مان رسید:

آبشان گرم بود. چایشان سرد بود. نان‌شان بیات بود. میوه‌هایشان پلاسیده بود. شام‌شان کم بود. هوا خفه بود. خواهر عروس پشت چشم نازک کرد. پدر داماد ما را نشناخت. به تأخیر پذیرایی شدیم. اقوام داماد با ما عکس نینداختند. عروس تحفه ارزنده ما دید ذوق‌مرگ نشد...

علی ایحال هرکه قاصد اخبار و قول و نقل اقوام شد، همان سند فیلم و فوتوغراف مذکور رو کرده قضاوت به تماشاچی تفویض دادیم.

حدیث این ایام جشنواره فیلم به همین منوال است. خودمان هرصبح به جهت رصد اخبار، در این ماسماسک وامانده پرسه زده در اینستاگرام می‌پلکیم نقل قول استوری و بیانیه می‌خوانیم از دنیا بی‌خبر نمانیم. یک سری از این آکتورها دوره افتادند به تحریم جشنواره. از نظر ما که هم صاحب‌نظریم هم به جهت پختگی و درایت و تدبر محل استنادیم این قسم آکتورها دو سخ و جرگه‌اند.

یک فرقه به فضل و هنر، توفیق نیافته به مستمسک حواشی تحریم جشنواره و اظهار فضل کاذب، نام و آوازه احیا کرده خودشان را به زور در زمره سلبریتی‌ها چپانده‌اند. به زور هشتگ و هکذا نامشان سر زبان چهار تا زردنویس و حاشیه‌ساز افتاده آدم به لطف ویکی‌پدیا ملتفت می‌شود یک نوبه در سریالی از کنج سمت راست دوربین با نیم رخ راست عبور کرده در انتهای تیتراژ تقدیر شده‌اند. این فقره در ایام عدم تحریم هم پایشان به جشنواره نرسیده.

لاکن فرقه دوم به وضع و هیکل همان قوم و خویش دور ما می‌مانند. آمدند خوردند کیفور شدند رفتند جفتک پراندند.

دستمزدهای چندصدمیلیونی در عوض بازی در چند سکانس و نام و آوازه و شهرت و احترام‌شان صدقه سر همین جشنواره فجر یافته‌اند کانهو گربه، گوشت بلعیده پنجه به دلسوز و صاحب علم می‌اندازند.

به سودای اسم و اعتباری هم تراز همانی که در وطن داشتند از جشنواره کشورشان اعلام برائت کرده خیالشان با آن اکت‌های زیر پوستی بالیوودی می‌روند هالیوود برایشان فرش قرمز پهن می‌کنند. که اگر پهن کنند به پاس همین جفتک پرانی‌هاست نه هنر و ذوق به قهقرا رفته‌ای که خرج وطن و هموطن نمی‌شود.

القصه آن قوم و خویش دورمان بود حکایت‌شان نقل کردیم، هیچ فک و فامیلی دل و دماغ و فیس افاده‌شان نداشته از دایره ارتباط و وعده و ضیافت و عروسی محذوف شدند آرزوی همان عروسی به نان بیات و چای سرد و آب گرم به دلشان مانده...

مردی که زیاد می‌دانست

صحنه

فریبا ریحانی
روزنامه‌نگار

زمانی که دیدن نمایش در ایران صرفاً جنبه سرگرمی داشت و تماشاچیان در سالن‌های نمایش سیگار آتش می‌کردند و در حین صحبت کردن با یکدیگر داستانی را روی صحنه دنبال می‌کردند، عبدالحسین نوشین (متولد ۲۱ بهمن ۱۲۸۵) تحصیلات خود را در فرانسه به پایان رساند و به ایران بازگشت. نوشین که از اعضای اولین گروه محصلان اعزامی به خارج از کشور بود بر خلاف آنچه برایش تعیین شده بود به تحصیل در رشته تئاتر پرداخت.

او همه آنچه را در اروپا آموخته بود، در ایران پایه‌گذاری کرد و تربیت استعدادهای جوان با جدیدترین متد روز، تمرین‌های چند ماهه قبل از اجرای عمومی اتفاقاتی بود که در آن زمان بسیار تازگی داشت. نوشین سوفلور را از میان برداشت و با نمایشنامه‌هایی که ترجمه و کار می‌کرد تئاتر را از درون متحول و سلیقه مردم را متفاوت کرد.

در نمایش‌های او دکور، طراحی لباس، میزانسن و... بسیار شگفت‌آور بود و چون تئاتر را گرامی می‌داشت برای تماشاچیان نیز قوانینی وضع کرد. در واقع می‌توان گفت آنچه ما امروزه در ایران به‌عنوان تئاتر می‌شناسیم به تحولاتی بازمی‌گردد که نوشین به وجود آورده بود. نوشین گرایش‌های سیاسی خاص داشت اما نمایش سیاسی اجرا نمی‌کرد و به ارزش هنری کار تکیه داشت. تئاتر فردوسی را راه‌اندازی و آنچه را در فرانسه دیده بود عیناً آنجا پیاده کرد. او تابستان را فصل تئاتر نمی‌دانست و معتقد بود هنرپیشه و گروه باید استراحت کنند و برنامه‌های سال بعد را آماده کنند. در آن سال‌ها پیش‌پرده‌خوانی بسیار رواج داشت و مورد استقبال عموم بود و نوشین مخالف آن بود و فقط یک سانس در روز اجرا می‌گذاشت. اگرچه نمایشی که به صحنه می‌برد برای عوام نبود با این حال استقبال پرشوری از تئاتر فردوسی می‌شد. او که همزمان تدریس هم می‌کرد، علاوه بر اینکه تأکید به بالابردن دانش عمومی و اجتماعی و همچنین اطلاعات هنری هنرجویانش داشت به دانش ادبی آنان نیز اهمیت می‌داد و همین بود که از دکتر خانلری برای تدریس ادبیات در کلاس‌ها دعوت کرد.

در زمان او کلاس‌های فن بیان و بدن در تئاتر فردوسی در بالاترین سطح قرار داشت. عبدالحسین نوشین شاگردانی از جمله محمدعلی جعفری، هوشنگ بهشتی، نصرت کریمی، مصطفی اسکویی و... تربیت کرد که بعدها آنها این دانش را به نسل بعدی خود منتقل کردند. کتاب «هنر تئاتر» نخستین کتاب در حوزه آموزش تئاتر است که او برای حرفه‌ای شدن بازیگران و کارگردانان ایرانی نوشت.

این هنرمند سیاسی که نه مقبول حزب خود بود و نه حکومت، در سال ۱۳۲۷ با ترور محمدرضا پهلوی با دیگر اعضای حزب دستگیر شد و به زندان افتاد. با دستگیری او تئاتر فردوسی برای همیشه تعطیل شد. چند سال بعد با اینکه مدت کمی از تمام شدن حکمش باقی مانده بود با عده‌ای از رفقای هم حزبش از زندان گریخت و به مسکو رفت و به دور از همسر و فرزند خود دیگر هیچگاه به ایران باز نگشت. او در مسکو با گروهی شروع به تصحیح و ویرایشی از شاهنامه کردند که آن نسخه معروف به تصحیح مسکو است. یکی از آرزوهایش اجرای داستان بیژن و منیژه در ایران بود. نوشین که مبتلا به سرطان معده بود ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۰ در مسکو درگذشت و به خاک سپرده شد. فرزاد فره‌وشی در مستندی به اسم «پرنده آبی» که نام آخرین اجرای نوشین بود به زندگی این هنرمند و اقدامات عملی او در راستای تحول جدی تئاتر نوین ایران پرداخته است.

سینمای غربی و تحقیر واقعیت‌ها

حرف آخر

حسن رحیم‌پور ازغدی
پژوهشگر و نظریه‌پرداز

در اهمیت چگونگی استفاده از قوه خیال باید گفت که قوه خیال انسان برای خلق یک اثرهنری اگر در خدمت شهوت و غضب قرار بگیرد می‌تواند اثر هنری مفسد خلق کند و اگر در خدمت عقل قرار بگیرد می‌تواند اثر هنری مصلح خلق کند. این واقعیت است که سینمای غربی به‌دنبال تحقیر واقعیت‌ها برای ترساندن مردم است و وقتی حرف از سینمای انقلاب اسلامی می‌شود عده‌ای می‌گویند ما سینمای ایدئولوژیک نمی‌خواهیم و در این زمینه کار نمی‌کنیم اما واقعیت این است که هیچ کسی بدون ایدئولوژی نیست و هرکسی هر اثری را تولید می‌کند با یک ایدئولوژی آن اثر را خلق می‌کند. چنین کسانی با ایدئولوژی خودشان آثار هنری را تولید می‌کنند. اساساً کسانی که در دنیا سینما را در دست دارند تلاش می‌کنند فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی را تغییر دهند. در مقابل هنوز در دانشگاه‌های هنر ما طرح سؤال جدی از جریان غربی در عرصه فلسفه هنر و زیبایی ندارند و آنچه امروز در دانشگاه‌های هنر ما تدریس می‌شود به‌عنوان نظریات هنری صرفاً ترجمه از غرب است.

سؤالاتی جدی می‌توان از فلسفه هنر غرب در اصل زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر مطرح کرد اما کسی نمی‌پرسد. اگر هم جریان انتقادی به هنر وجود داشته باشد خودش اکثراً غربی است. ما امروز چیزی به نام فلسفه هنر که ترجمه نباشد نداریم بلکه صرفاً ترجمه هستند. به‌جای فلسفه هنر تاریخ هنر غرب را به‌عنوان یک امر رایج تدریس می‌کنند. کسانی که به اسم سرگرمی اثر خلق می‌کنند صرفاً دنبال سرگرمی نیستند بلکه به‌دنبال القای یک تفکر به مخاطبین خود هستند. ۲۵ درصد درآمد تولید ناخالص امریکا برای افکار عمومی است، اعم از خلق داستان و تولید فیلم و... آنچه سینمای غرب به‌دنبال آن است تحقیر واقعیت برای ترساندن مردم است که با اهداف خاصی دنبال می‌شود. در این میان باید به تفاوت‌های سینما قبل و بعد از انقلاب هم اشاره کنیم و بگوییم در سینمای قبل از انقلاب قهرمان‌ها یا اهل مشروبات الکلی بودند یا روابط نامشروع و یا اهل خشونت‌های فیزیکی بودند اما سینمای بعد از انقلاب قهرمان واقعی خلق کرد. در سینمای غرب قهرمان‌ها را ضد قهرمان می‌کنند، مثلاً زامبی یک رهبر مسلمان ضد استعمار در امریکای جنوبی است اما زامبی را نام مرده‌های متحرک گذاشتند و تبدیل به ضد قهرمان شد. از ابتدای انقلاب تا کنون عده‌ای که در سینما و هنر برای انقلاب هزینه می‌دادند به اتهام حکومتی بودن از خدمات محروم بودند و عده‌ای دیگر که علیه انقلاب اسلامی بودند از همه مزایای کشور استفاده می‌کردند و همیشه هم به انقلاب ضربه می‌زدند.

*** بخشی از سخنرانی رحیم‌پور ازغدی در پنجمین شب از نشست محفل سینمایی آرمان**

عکس نوشت

پانزدهمین جشنواره تجسمی فجر، امسال فضای متفاوت‌تری را تجربه می‌کند؛ چراکه از آثار هنری ایرانی بهره بیشتر برده است. تا حدی که شاید در ابتدا گمان کنید به نمایشگاهی رفته‌اید که صرفاً هدفش نمایش هنر ایران زمین در قالب تذهیب، نگارگری و خوشنویسی بوده است. در نمایشگاه امسال آثار قابل توجهی از هنرمندان این حوزه در معرض بازدید قرار گرفته است. /ایسنا

به مناسبت درگذشت پروفسور میرزا ملااحمد، ایران‌شناس تاجیک

میرزا ملااحمدی که من می‌شناختم

فرهنگستان

حسن قریبی
مدیر روابط بین‌الملل فرهنگستان زبان و ادب فارسی

در دی ماه ۱۳۸۴ سعدالله خیرالله‌اف، رئیس مجلس ملی نمایندگان تاجیکستان و هیأت همراه او در فرهنگستان زبان و ادب فارسی با دکتر حسن حبیبی و برخی از اعضای فرهنگستان دیدار کردند. در آن نشست بر این نکته تأکید شد که «اگر می‌گوییم بنای روابط دو کشور را نمایندگان فرهنگی ما گذاشته‌اند بیراهه نرفته‌ایم.» این رویداد بی‌سابقه سیاسی- فرهنگی در روابط دو کشور باعث شد که دو هفته بعد فرهنگستان میزبان دکتر محمدشاه هلال‌اف، رئیس آکادمی علم‌های تاجیکستان باشد و به نظرم نخستین دیدارم با روانشاد میرزا ملااحمد در همان نشست بود. در ملاقات دکتر هلال‌اف با دکتر حبیبی چشم‌انداز خوبی از روابط پیش‌رو بود. این انتظار زیاد طول نکشید و در هجدهم اسفندماه همان سال یعنی دقیقاً دو ماه بعد از حضور رئیس مجلس تاجیکستان در فرهنگستان تصمیم بر این شد که «پنجمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی و تاجیک» در دوشنبه برگزار شود. این بار من نیز با سمت مدیر روابط عمومی فرهنگستان، همراه هیأت ایرانی برای نخستین بار پایم به آن دیار رسید. در مراسم گشایش این همایش سه‌روزه که در تالار مرکز تحقیقات استراتژیک دستگاه ریاست جمهوری برگزار می‌شد با توجه به ملاقات رئیس آکادمی تاجیکستان با مرحوم حبیبی و آنچه بین‌شان گذشته بود، دکتر هلال‌اف در سخنرانی خود از فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌عنوان نهادی یاد کرد که می‌تواند مسائل مربوط به زبان فارسی را در تاجیکستان، بدون دخالت حساسیت‌های سیاسی دولت‌های منطقه ساماندهی کند. یکی دیگر از سخنرانان آشنا استاد میرزا ملااحمد بود که آن وقت با عنوان معاون سردبیر علمی آکادمی علم‌های جمهوری تاجیکستان معرفی شد. پس از مراسم با هم خوش‌وبش کردیم. چندی از آثارش را نیز به من و کتابخانه فرهنگستان تحفه کرد که تعدادی از آنها به خط فارسی هم بود. دو جلد از دانشنامه رودکی (دوشنبه، پژوهشگاه زبان و ادبیات فارسی رودکی)، خوبان پارسی‌گوی (تهران، ۲۰۰۳)، رباعیات عمر خیام (۱۹۸۳)، یاد یار مهربان (تهران، ۲۰۰۱) و چند کتاب دیگر که اکنون نام آن را به خاطر ندارم. می‌دانستم که برای دایرةالمعارف بزرگ اسلامی هم در موضوع ایران‌شناسی مقاله می‌نویسد و مدت‌ها با دکتر علی رواقی در برگردان و ویراستاری و پژوهش در متون تاجیکی همکاری داشته است. به‌جهت آشنایی قبلی، مرا به ملاقات با رئیس آکادمی دعوت کرد تا درباره راهکارهای تحکیم مناسبات فرهنگی میان ایران و تاجیکستان و برداشتن گام‌های جدی‌تری مصلحت کنیم. از پیگیری‌اش معلوم بود که نمی‌خواهد هیچ فرصتی را از دست بدهد و برگزاری این همایش یکی از بهترین فرصت‌ها بود. آن روز، دوشنبه‌ای بارانی در دوشنبه بود. دعوت و ملاقات با رئیس آکادمی باعث شد در آن دیدار درباره راه‌اندازی اتاق ایران در آکادمی علم‌های تاجیکستان و برعکس به نتیجه برسیم تا از این طریق ارتباط‌های علمی فرهنگی از حالت ملاقات‌های گاه‌گاهی که تنها در آن مهر و محبت موج می‌زند و از کار خبری نیست، فراتر رود. نتایج سفر با مرکز درمیان گذاشته شد. از آن طرف میرزا ملااحمد به‌عنوان رابط پیشنهاد شد و از این‌سو من به‌عنوان نماینده فرهنگستان در مراکز علمی و فرهنگی تاجیکستان معرفی شدم. میرزا ملااحمد همزمان رئیس انجمن دوستی تاجیکستان و ایران هم بود و در حد توان خود از هیچ خدمتی فروگذار نبود. طرح تبادل اتاق فرهنگی و تدوین شرح وظایف آن مصادف شد با تشکیل «کمیته زبان و اصطلاحات نزد حکومت تاجیکستان» به ریاست مرحوم دادخدا سیم‌الدین که بعدها عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی شد که آن انتخاب سرآغازی بود بر همکاری و ارتباط مداوم میان گروه واژه‌گزینی فرهنگستان و کمیته زبان و اصطلاحات تاجیکستان. چند سال بعد من به‌عنوان رئیس پژوهشگاه فرهنگ فارسی- تاجیکی ساکن تاجیکستان شدم. در همان اوایل حادثه‌ای باعث کدورت در روابط سیاسی شد و برای اهالی فرهنگ دو کشور که تازه جان گرفته بودند روزهای سختی بود و انتظار بهبود واقعاً نفس می‌گرفت. برای آنکه این یادداشت به درازا نکشد فقط به همین نکته بسنده می‌کنم که در همان وقت‌ها که نام ایران با احتیاط برده می‌شد و آینده روابط در هاله‌ای از ابهام بود، هرکس به هر طریق در پی راهی بود که بنیادهای اساسی فرو نریزد، پروفسور میرزا ملااحمد که در هر فرصتی به دیدار هم می‌رفتیم، آخرین تیر را در ترکش گذاشت و با جسارتی تمام که در آن وقت واقعاً جسارت بود؛ ابتدا جلد یکم کتاب آثار ایران‌شناسی حاوی ۴۶ عنوان مقاله را در سال ۱۳۹۶ به پژوهشگاه ما سپرد تا با همکاری پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علم‌های جمهوری تاجیکستان آن را به نشر برسانیم. اکنون که خاطره‌ها را مرور می‌کنم می‌بینم راضی کردن پژوهشگاه رودکی به نشر این کتاب در آن وقت کاری بود کارستان. مجموعه آثار ایران‌شناسی با هر تدبیری بود به نشر رسید و در ادامه سال بعد نشر جلد دوم را نیز به فرجام رساندیم. وقتی خبر درگذشتش را شنیدم به وبگاه پژوهشگاه (WWW.PERTOJ.COM) سر زدم و دیدم همچنان بعد از نزدیک پنج سال که از توقف فعالیت پژوهشگاه فرهنگ فارسی- تاجیکی می‌گذرد، خبر نشر این مجموعه در جایگاه آخرین خبر، در این وبگاه خودنمایی می‌کند. به گمان من این خبر معنی ویژه‌ای به تاریخ روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان داده است و نقش و تلاش فرهنگیانی چون استاد ملااحمد را در حفظ و بازسازی این میراث مشترک به روشنی بیان می‌کند.